

استاد محمدتقی دانش‌پژوه از دریچه خاطرات شفاهی

به کوشش: کورش نوروزمرادی - حسن صفیاری

در حوزه نسخه‌شناسی، کتاب‌شناسی و فهرست‌نگاری نسخ خطی، نام استاد محمدتقی دانش‌پژوه که نیم قرن از عمر پربارش را در بازشناسی نسخ خطی سپری کرده است بسیار برجسته و آشکار است. حاصل تلاش علمی و پژوهشی ایشان صدها مقاله و فهرست‌های بی‌شماری از نسخه‌های خطی کتابخانه‌ها و مراکز تحقیقاتی داخل و خارج از کشور است. برای آشنایی بیشتر با این محقق بنام کشور با سه تن از اساتید و پژوهشگران این حوزه علی‌تقی منزوی، عبدالحسین حائری، محمد گلبن و سه تن از شاگردان ایشان به گفتگو نشستیم.

استاد شما چوه ه کار فهرست‌نگاری نسخ خطی کشیده شدید؟

من کارم را از سال ۱۳۲۵ به عنوان دبیر دبیرستان‌ها آغاز کردم. اما وقتی که مرحوم مشکوة کتاب‌هایش را به دانشگاه تهران اهداء کرد، از بنده



خواست تا فهرست کتاب‌های خطی ایشان را تهیه نمایم. مرحوم مشکوة با ما سابقه دوستی سی، چهل ساله داشتند از زمان مرحوم پدرم (شیخ آقا بزرگ تهرانی) که در نجف بودند، با همدیگر رابطه نزدیکی داشتیم.

این شد که من بجلد اول فهرست نسخ خطی کتابخانه دانشگاه تهران را به تنهایی تهیه و توسط دانشگاه تهران به چاپ رساندم.

چطوری این کار ادامه پیدا کرد؟

جلد اول چاپ شد مرحوم مشکوت فرمودند، کارمان را برای جلد‌های بعدی ادامه بدهیم.

چگونه شد که شما و مرحوم دانش‌پژوه فهرست مشترکی را با همدیگر منتشر کردید؟

جلد دوم به عهده من و مرحوم دانش‌پژوه افتاد. تا نیمه‌های جلد دوم هر کدام جداگانه کار می‌کردیم. کتاب‌های من جدا بود و مال او هم جدا بود، من در خانه خودم کار می‌کردم او هم در خانه خودش کار می‌کرد. وسط‌های جلد دوم فهرست خطی بود که کتابخانه مرکزی تأسیس شد و هر دوی ما آمدیم کتابخانه مرکزی کار می‌کردیم.

می‌توانید در مورد کتاب‌های اهدایی مرحوم مشکوة بیشتر توضیح بدهید؟

این کتاب‌ها پایه اصلی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.

اشاره:

نیم قرن پیش دو جوان دو یار دبستانی، تمرین نسخه‌شناسی را از زیر یک سقف آغاز می‌نمایند که بعدها به دو ستاره نسخه‌شناسی ایران مشهور می‌گردند. نقی و تقی همان ستارگان فروزانند. که سال‌ها با همدیگر

نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری می‌کردند. نقی (علی نقی منزوی) فرزند شیخ آقا بزرگ تهرانی کتاب‌شناس بزرگ ایران و عالم اسلام است. او فهرست‌نگاری را اندکی پیش از تقی (محمدتقی دانش‌پژوه) آغاز کرد، اما دست تقدیر در همان سال‌های نخست آن دو را هم‌راه نمود. در این گفتگو علی نقی منزوی یار هشتاد ساله مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه، او را در آینه خود می‌بیند.

جناب استاد منزوی سابقه آشنایی تان با جناب مرحوم دانش‌پژوه به چه سالی بر می‌گردد؟

من و ایشان هر دو کارمند کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران بودیم. سابقه آن به قبل از سال ۱۳۳۰ شمسی بر می‌گردد. در کدام بخش کار می‌کردید؟

هر دوی ما در بخش خطی دانشکده حقوق کار می‌کردیم. پس در واقع هر دوی ما همکار استاد ایرج افشار و دکتر محسن صبا بودید؟ بله، دکتر محسن صبا از بدو تأسیس کتابخانه دانشکده حقوق ریاست کتابخانه را به عهده داشتند اما آن زمان هنوز آقای ایرج افشار در کار خطی نیامده بود و در بخش دیگر کتابخانه کار می‌کردند. بعدها بنده و مرحوم دانش‌پژوه و آقای ایرج افشار با هم می‌رفتیم کتابخانه ملک اما نه برای کار بلکه می‌رفتیم تا یک یک کتاب‌های خطی آن جا را ببینیم.

۱۵
کتابخانه



همسرانتان منظور همسر شما و همسر مرحوم دانش پژوه، مانع نمی شدند
از این که همه اوقاتتان با کتاب بود؟

همسر هر دوی مان از کار کتاب خسته و معترض بودند. و
اعتراض داشتند که چرا همه وقت مان را با کتاب می گذرانیم. اما
رفته رفته عادت کردند و کنار آمدند.

از اخلاقشان بفرمایید چگونه بود؟

تقریباً شبیه هم بودیم، من در طول ارتباطم با ایشان نه از او
خشونت دیدم و نه نرمش.

آیا در فهرست نگاری سبک بخصوصی داشتند یا نه در فهرست نویسی
هم شبیه هم بودید؟

برتر از همدیگر نبودیم. هر دوی مان خودرو بودیم، یعنی اصلاً
هیچ کدامان کلاسی ندیده بودیم من منتهی پسر پدرم بودم، پدری
که از بچگی ام بر سر سفره بر ایمان از کتاب می گفت. شاید قدمت
کاری من از ایشان اندکی بیشتر باشد.

جناب آقای منزوی عمق کار مرحوم دانش پژوه و همچنین صحت و سقم
کار ایشان به چه شکلی بوده است.

خوب من نمی توانم در مورد او قضاوت کنم. او از تمام جهات
به نظر خودم با من برابر بود. چیزی برتر از همدیگر نداشتیم. حالا
این اتفاق افتاد که ما زودتر از ایشان شروع کردیم. چون روابط من
با آقای مشکوة صمیمی تر و خانوادگی تر بود.

تا چقدر مرحوم مشکوة در فهرست کردن کتاب ها به شما و مرحوم دانش
پژوه کمک می کردند؟

ایشان بسیاری از اطلاعات اولیه را پشت کتاب می نوشتند و آن
کار هر دوی مان را آسان می کرد. مرحوم مشکوة آدم مطلعی بود،
ثانیاً سی، چهل سال مالک نسخ خطی اهدایی به کتابخانه بود. یک
یک این ها را خریده بود و با صاحبان اولیه اش چانه زده بود. از نظر
علمی هم آدم موثری بود و به ما کمک می کرد.

مرحوم دکتر محسن صبا که زمانی رییس شما و مرحوم دانش پژوه و ایرج
افشار بود چگونه آدمی بود و چه تاثیری در رشد شما سه نخبگان نسخ
خطی داشته است؟

مرحوم صبا آدم هنرمندی بود. نقاش بود. خطاط بود و با تمام
کتابخانه های اروپا ارتباط تنگاتنگی داشت. شاید جزء اولین کسانی
در ایران باشد که کتابداری و آرشیو نوین را در دانشگاه خوانده
بود. اولین جزوه و کتاب آرشیو و بایگانی را در ایران ایشان
نوشته اند. هر سه تای ما ذوق او را می پرستیدیم و خوشحال بودیم
که با او کار می کردیم. جنبه های هنری ایشان در ما موثر بود.

در سبک های نسخ خطی با همدیگر مباحثه ای نداشتید و یا برای
پژوهش های نسخ خطی سفرهای مشترکی نداشتید؟

در میان ما سه تن آقای ایرج افشار در مورد شکل های مدرن و

آن زمان پشت تک تک کتاب های اهدایی مشکوة مهر کتابخانه
اهدایی مشکوة "خورده بود. مجموعه ارزشمندی بود. خود مرحوم
مشکوة هم در تهیه فهرست ها کمک می کردند و بر امور نظارت
داشتند.

چطور شد که شما در دانشگاه تهران ماندگار شدید؟

بین سال های ۳۸-۱۳۲۵، یعنی به مدت ۱۳ سال بنده سه تا چهار
کتاب منتشر کردم، این کتاب ها توسط خود دانشگاه منتشر شد.
تشکیلات کتابخانه مرکزی که جدا شده بود، از ما خواستند که
درخواستی بنویسید مبنی بر این که در دانشگاه باشید. همین شد
که در دانشگاه ماندگار شدیم.

چه اتفاقی بر سر جلد های سه به بعد دانشگاه تهران آمد؟

من تا پایان جلد دوم با دانش پژوه همکار بودم و فهرست مشترک
منتشر کردیم. از جلد سه به بعد من دیگر کنار کشیدم و دانش پژوه به
انتشار جلد های بعدی فهرست خطی دانشگاه پرداختند.

شما باید از افرادی باشید که اطلاع خوبی از جوانی های استاد دانش پژوه دارند؟
بله ولی ایشان آملی بود و اهل مازندران و جوانی شان را آنجا
گذراندند، اما من تا زمان فوت شان آن جا نرفته بودم، بعد از فوت
شان بود که به آمل رفتم.

روابط فکری تان چگونه بود؟

خوب از نظر ایدئولوژی مثل هم بودیم. هر چه حرف می زدیم به
جایی مان بر نمی خورد با هم تعارف نداشتیم، چون مثل هم بودیم.

در سیاست وارد نمی شدید؟

در سیاست نیز هر دوی مان مثل هم بودیم، اصلاً وارد نمی شدیم،
یعنی در رژیم گذشته جرأت نداشتیم وارد شویم.

شما با همدیگر روابط خانوادگی داشتید و شکل کارتان هم یکی بود آیا



قوانین کتابداری جدید با ما مباحثه می کرد. ما برای پژوهش های نسخ خطی به شهرهای یزد، کاشان، اصفهان و غیره... سفر می کردیم. در اصفهان دیدیم که دکان های تقلب سازی تاریخ چه طوری ورق را کهنه می کرده اند و کتاب خطی می ساختند و آن را با تاریخ قدیمی تر به فروش می رساندند.

شما به علاقت شخصی به این شهرها می رفتید یا این که از طرف دانشگاه به این شهرها مأمور می شدید؟

دانشگاه تهران از ما می خواست و ما را مأمور می کرد تا در این شهرها کتابخانه خطی بخریم. ما در واقع می رفتیم ببینیم چقدر از این کتاب های خطی تقلبی است و چقدر حقیقی.

ارزشیاب منابع هم بودید و کتب را قیمت گذاری هم می کردید؟
بله به غیر از دانشگاه تهران گاهی کتابخانه مجلس یا کتابخانه ملی و یا کتابخانه های دیگر که می خواستند کتابی بخرند می آوردند به ما نشان می دادند و از ما نظر می خواستند.

استاد بفرمایید جناب مرحوم دانش پژوه در اشاعه اطلاعاتی که می دانست چقدر دست و دلباز بودند؟

البته چیزهایی را در آدرس ندادن برخی نسخه ها و نکات دیگر به ایشان نسبت می دهند. اما به اعتقاد من این طوری نبوده است. اگر ایشان چیزهایی را که نمی دانست و یا نمی توانست آن را اثبات بکنند زیاد اظهار نظر در مورد آن نمی کردند. ولی من دیدم چیزهایی را به ایشان در این مورد نسبت می دهند اما من درست بودنش را نپسندیدم.

فکر می کنید تمام آنچه شما و مرحوم دانش پژوه تجربه اندوخته اید در قالب تعلیم و تربیت به شاگردان تان تمام و کمال منتقل شده است؟
البته به آن صورت که کلاسی باشد و شاگردانی به صورت منظم و مرتب نبوده است، اما ممکن بود که کلاس کتابداری در جایی تشکیل می شد و مرحوم دانش پژوه چند روز می رفتند نکاتی را می گفتند و یا من چهار، پنج روزی می رفتم آن جا سخنرانی می کردم.

اشاره:
عبدالحسین حائری بیش از پنجاه سال در کتابخانه مجلس به فهرست نگاری و شناسایی نسخه خطی می پردازد او را همیشه با عینک های متعدد و محاسنی سفید، با پپی در دست در وسط انبوهی از کتاب های کتابخانه مجلس مشغول می بینیم. از او در جوانی و میانسالی مقالات بسیاری در جراید و مطبوعات گذشته به چاپ رسیده. حاصل تلاش او در کتابخانه مجلس انتشار بیست و هفت جلد از فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس و کمک و یاری رسانی به بسیاری از محققین و پژوهشگران صاحب نام کشور است.

جناب استاد حائری مقدمه آشنایی تان را با جناب مرحوم دانش پژوه بفرمایید.
در سال ۱۳۳۰ وقتی که من از قم به تهران آمدم، تازه سال های اولی بود که مرحوم مشکوة کتاب هایش را به دانشگاه تهران هدیه داده بودند؛ از این کتاب ها حدود هزار یا هزار و صد جلد کتاب خطی فارسی و عربی بود. همین مجموعه پایه و مایه ابتدایی کتابخانه دانشگاه تهران را تشکیل می داد، که نه با عنوان کتابخانه مرکزی، بلکه به عنوان کتابخانه دانشگاه تهران نامگذاری شده بود. جلد نخست فهرست کتب خطی اهدایی مرحوم مشکوة توسط علی نقی منزوی و جلد دوم آن به کوشش مشترک علی نقی منزوی و مرحوم دانش پژوه منتشر شد. و طبیعی است با ایشان هم مانند بسیاری دیگر ناشرین در همین زمان آشنا شدم. اما تا آنجایی که خبر دارم پیش از این ایشان در کتابخانه دانشکده حقوق کار می کردند. رفت و آمدشان به کتابخانه مجلس چگونه بود؟

آن طور که یادم می آید در دهه ۳۰ رفت و آمدشان به کتابخانه مجلس چندان باب نبود از حدود سال ۱۳۴۰ رفت و آمدشان به کتابخانه مجلس زیادتر شد و طبعاً ملاقات ما نیز با همدیگر بیشتر می شد.

از اولین مباحثه تخصصی که در حوزه نسخه شناسی و کتاب شناسی با همدیگر داشتید به یاد دارید؟

بله بنده مقاله ای در مجله وحید در حدود سال ۱۳۴۰ منتشر کردم که موضوعش در مورد اصالت ترجمه کتاب بهمینار به نام "التحصیل" بود. التحصیل کتاب معروفی در فلسفه بود که ترجمه ای به فارسی دارد، بین اشخاص بر سر این که آیا این ترجمه از خود بهمینار است یا این که دیگران آن را ترجمه کرده اند اختلاف نظر بود. در آن وقت ما نسخه ای از مجموعه مرحوم میرزا طاهر تنکابنی در کتابخانه مجلس پیدا کرده بودیم که تا آن وقت تشخیص نداده بودند چه کتابی است. من فهمیدم که این با ظاهری بهم ریخته همان ترجمه "التحصیل" است. این شد که مقاله ای در دوسه شماره در مجله وحید چاپ کردم و گفتم که این ترجمه نباید ترجمه "بهمینار" باشد، زیرا سبک فارسی اش به بهمینار نمی خورد. با طرح این مساله آقای دانش پژوه به من نزدیک تر شدند و در این مورد

هم با همدیگر مباحثه کردیم.

از چه سالی ایشان به کتابخانه مجلس جهت فهرست نویسی تشریف آوردند و چه جلدهایی از فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس را ایشان فهرست کردند؟

مرحوم دانش زمانی که ریاضی رییس مجلس شد، حدود سال ۴۲ یا ۴۳ به این جا آمدند و فهرست های جلد یازده تا شانزده به عهده ایشان و آقای علی نقی منزوی و ایرج افشار بود یک تیم دوازده نفری نیز با این سه نفر همکاری می کردند اسامی شان در اول فهرست نوشته شده است.

از دانشکده حقوق دانشگاه تهران صحبت کردید و فرمودید که مرحوم دانش و منزوی آن جا بودند، از افرادی دیگر که در این جا کار می کردند خاطره ای دارید؟

بله من در آن جا با دکتر صبا مکرر برخورد داشتم. خاطره ای که از آقای محسن صبا دارم این است روزی بنده رفتم کتابخانه ملی و برای یک برنامه مشترک منتظر آقای دانش پژوه و چند تن دیگر بودم. فکر می کنم آن جایی که ایستاده بودیم نزدیک مخزن بود. بی اختیار پیپم را در آوردم که بکشم. آقای صبا گفتند که این جا پیپ نکش. مرد خیلی مقیدی بود. تحصیلاتش نیز از سایرین بالاتر بود. ایشان کتابی در زمینه آرشئو و بایگانی نوشتند که کتاب مفیدی به نظر می رسید.

به نظر می رسد از اولین کتابها در مور سازماندهی مواد باشد؟

بله، یک بار تمامش را خواندم. کتاب خیلی خوبی است. در این کتاب نکات بسیاری را در مورد کار کتابداری و وظایف کتابدار ذکر کرده است.

شیوه کار استاد دانش پژوه به چه شکلی بود؟

مرحوم دانش پژوه مرد استادی بودند، دقیق و فاضل. جلد های اولیه دانشگاه که کار فهرست به عهده ایشان بود، خیلی مفصل کار کردند. همین جلد ها بعدها پایه ای برای تاریخ علم، فهرست نویسی، کتاب شناسی و علم شناسی در ایران شد. ایشان وقتی از نظر فقهی، اصولی، منطقی کتاب را بررسی می کردند، نه تنها درباره عهد و زمان آن کتاب، بلکه کتاب های دیگر نیز در فهرست اشاره می کردند، پاورقی های بسیار مفصلی برای کتاب هایی می نوشتند که بسیار مورد استفاده برای دیگران شد. فهرست های دانشگاه تهران ایشان از جلد سوم تا جلد هفتم که به صورت موضوعی است بسیار دقیق است؛ بیش از آنچه که من معتقدم توضیح داده شود ایشان توضیح می دادند.

ایشان در کار کتاب شناسی به عهد و زمان کتاب خوب می پرداختند و تاریخ آن علم را طوری بررسی می کرده که در زمان خودش به آن وسعت و به آن تفصیل نبود. البته گرچه کارشان خالی از اشکال و اشتباه نیست اما به هر حال برترین و بهترین و

عالی ترین کار کتاب شناسی است.

به نظر شما آیا سبک کارشان منحصر به فرد بود؟ و آیا پیش از ایشان کسی به آن شکل کار کرده بود؟

سبک کارشان در آن زمان به آن صورت مرسوم نبود. تنها کسی که پیش از او تقریباً به آن شکل کار کرده، ابن یوسف بود که دو جلد از فهرست نسخ خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار و یک جلد از فهرست خطی کتابخانه ملی را پیش از او منتشر کردند. منتهی شیوه کارشان با هم فرق داشت. آقای دانش پژوه خیلی عالمانه تر به آن کار پرداخته بودند. به عنوان مثال آقای ابن یوسف در مورد مدخل سعدی بیست و سه صفحه درباره شان بحث کرده بودند در حالی که همین بحث ها در تاریخ ادبیات آدوارد براون آمده بود و لزومی نداشت ایشان آن جا ذکر کنند، بلکه آنچه از خود نسخه استخراج می کردند باید ذکر می کردند، بقیه چیزها زائد بود و در مورد نسخه آن کتابخانه نبود و بایستی حذف می کردند.

استاد در همین حال که دارید پیپ می کشید آیا به نظر شما جلوتر از مرحوم دانش کسانی مثل آقای ابن یوسف و غیره... الگویی برای مرحوم دانش بودند؟

بله آقای مهدی ولانی در مشهد فهرستی را منتشر کرد که هم دارای نثر روانی بود و خود منبع نیز بسیار مفید و ارزشمند بود. جلد اول آن که چاپ شد، آقای مرحوم دانش در یکی از یادداشت هایش از ایشان بسیار تعریف کرده بودند، برای آن که آن شکل کار، کار اولیه بود و همین خوشحالش کرده بود. این فهرست مربوط به کتابخانه آستان قدس رضوی است.

فهرست ابن یوسف بعد از انتشار فهرست آقای مهدی ولانی منتشر شد؟ بله، این کار که در آمد چون کار اولیه بود جای خوشحالی داشت.

پس از آن فهرست ابن یوسف منتشر شد که کار کامل تری بود.

حالا که بحث به این جا کشیده شد در مورد خود مرحوم ابن یوسف اگر چیزی می دانید بفرمایید؟

ایشان در شیراز دفتر محضر داشتند ولی به کارهای علمی هم می پرداختند. گاهی هم به کتابخانه مجلس سرک می زدند. ایشان در فهرست شان نوشتند که در کتابخانه مجلس مجموعه ای است به خط حافظ که آثاری از خود حافظ در آن درج شده است. این نوشته حرف نسبتاً بزرگی بود و ممکن بود سر و صدایش در دنیا بیچند. چنین نسخه ای در کتابخانه مجلس وجود نداشت و این حرف صحیح نبود. البته نسخه ای از دیوان حافظ مربوط به قرن ۸ و ۹ در کتابخانه بود که پشتش نوشته بود: «شمس الدین محمد حافظ»، که ایشان آن را این گونه تلقی کردند که به خط حافظ است. با مسئولان مجلس صحبت کردم که چنین حرفی صحیح نیست؛ آیا جوابش را بدهم یا نه؟ که منتهی شد به این که جوابش را جایی

جناب استاد گلبن خدمات فرهنگی مرحوم دانش پژوه را به ایران و اسلام بفرمایید؟



دانش پژوه چهره‌ای بود که عاشق و شیفته فرهنگ ایرانی بود و به هر کاری که دست می‌زد سعی می‌کرد بهترین کار را انجام بدهد. اگر کسی واقعاً فهرست‌هایی که دانش پژوه در دانشگاه تهران منتشر کرد نگاه بکند و به دقت این کتاب‌هایی که

معرفی کرده بررسی بکند، می‌بیند که این مرد با چه دقتی، با چه وسواسی، با چه خون دلی این کار را انجام داده و چون در کارش جدی بوده، هر کجا که نسخه‌ای وجود داشته سراغش می‌رفته و سعی می‌کرده به بهترین وجهی معرفی بکند. مردم دیگر چه می‌خواهند، مردم کار خوب می‌خواهند. به همین دلیل که کارش درست و خوب بود، مورد احترام همه هستند. دانش پژوه هر کجا نسخه‌ای را دیده به هر طریقی که بود سعی می‌کرد این نسخه را زنده نگه دارد که از بین نرود. شاید در ایران سیصد سال بگذرد و مردی به دقت و عمل کار دانش پژوه در نسخه‌شناسی ما ظهور پیدا نکند. ولی چون اهل هیاو و خودنمایی نبود، بی‌سروصدا به راه خودش می‌رفت و کارش را ادامه می‌داد.

امتیاز فهرست دانش پژوه بر سایر فهرست‌ها چیست؟

ما در ایران فهرست نویسی که دقت کارشان زیاد باشد، کم داریم. برای نمونه اگر بخواهم اسم چند نفرشان را ببرم، دانش پژوه، جثری و منزوی و چند نفر دیگر فهرست نویس اصلی‌اند. دانش پژوه به علت این که با مراکز نسخ خطی در جهان ارتباط داشته و علت حفظ و ارزش نسخه‌ها را می‌شناخته و شما هر نوشته‌ای که از دانش پژوه بگیرید، بخوانید یک مطلب تازه‌ای یاد می‌گیرید و یک دید تازه پیش چشم شما باز می‌شود. به علت این که با دانشمندان نسخه‌شناس دنیا ارتباط داشته و ارزش نسخه را می‌دانسته. دانش پژوه عاشق و شیفته بود. هر موقع به دانش پژوه برخورد می‌کردی، جز کتاب حرف دیگری نمی‌زد.

جناب آقای گلبن اولین مقالات شما با مرحوم دانش پژوه مربوط به چند سال پیش است؟

من دانش پژوه را در سال‌های اوایل انقلاب و قبل از انقلاب بارها دیده بودم، ولی با ایشان آشنایی نداشتم. روزی که من سفرنامه میرزا ابوالحسن خان ایلچی را منتشر کردم، ایشان شب به منزل ما زنگ زدند و گفتند: که آقای گلبن ما سال‌ها کوشش کردیم که بتوانیم مشخصات این نسخه را جزء نسخه‌های خطی فارسی بدهیم، ولی نتوانستیم، شما به چه صورت توانستید این نسخه را به دست بیاورید و چاپ کنید. گفتیم: آیا توانستم از عهده آن برآیم؟

چاپ کردم. پس از مدتی آقای ابن یوسف به کتابخانه مجلس آمدند و از من گله کردند که فهرست‌های کتابخانه مجلس را چرا برای او نفرستادم، و تقاضای تعداد زیادی از فهرست چاپ شده را کرده بودند. چون تقاضایشان زیاد بود، در این مورد باریس مجلس وقت تماس گرفتم و از او نظر خواستم. ایشان گفتند: به ابن یوسف بگویید. اگر جای آن نسخه خطی به خط حافظ را به ما نشان بدهد هر چه بخواهد به او می‌دهیم.

آقای مرحوم دانش پژوه در اشاعه اطلاعات در زمینه نسخه خطی و آدرس دهی نسخه‌هایی که دیده بودند چقدر دست و دل باز بودند؟

ایشان هیچ وقت عهده دار مسئولیت اجرایی کتابخانه نبودند. ظاهراً شایع می‌کنند که ایشان در آدرس دهی نسخ خطی و گفتن برخی اطلاعات اخفاکاری می‌کردند ولی من چیزهای زیادی در این مورد از ایشان ندیدم.

منشأ کار فهرست نویسی آقای دانش پژوه از کجاست؟

ریشه کار فهرست نگاری ایشان برمی‌گردد به علاقه به کتاب خطی، به سبب نیروی علاقه‌ای که در جانشان بود به این کار کشیده شد.

نظر حضرت تعالی در مورد جوانانی که نخستین قدم را در راه شناسایی نسخ خطی می‌گذرانند چیست؟

اول خوب درسشان را بخوانند، درس مربوط به نسخ خطی را هم بخوانند، نگران هیچ چیز دیگر هم نباشند. در پژوهش‌های نسخ خطی اصل بر این است که فارسی را خیلی خوب بدانند و بی‌شک عربی را هم اندکی دانسته باشند. هر چقدر در سش را بهتر خوانده باشند، بهتر می‌توانند در دنیای نسخ خطی قدم بردارند. استاد همان گونه که می‌دانیم هیچ کاری کامل نیست؛ اگر بخواهید کارهای مرحوم دانش پژوه را با دید نقادی نگاه کنید چه نقصی در آن می‌بینید؟ تفصیل زیادتر از حد لازم در خصوص هر نسخه را از ایراد کارشان می‌توان نام برد. ایشان در خیلی از موارد کار تاریخ نویسی کرده‌اند، کار فهرست نگاری در حقیقت گام اول برای تاریخ علم است.

اشاره:

نیم قرن نام محمد گلبن در کنار همسر مرحومشان راضیه دانشیان، با پژوهش‌های کتابشناسی، کتاب پژوهشی و تصحیح نسخ خطی و تاریخ جراید و مطبوعات گره خورده است او که کتاب پژوهی را با کتابداری سستی آغاز کرده، در توسعه فرهنگ و معرفی آثار اسلاف کوششی با ثمر نموده است. با او به سخن می‌نشینیم تا از رازها و ناگفته‌های مرحوم دانش پژوه آشنا شویم.

۱۹
سنگ بنیان

گفت: «مقدمه‌ای که برای این کتاب نوشته‌ای خیلی سنگین است. اگر یک مقداری بیشتر کوشش کرده بودی، خودش یک کتاب جداگانه‌ای می‌شد. و ای کاش قبل از این که کتاب را به چاپ برسانی، آن را به من نشان می‌دادی، که بعضی نکات را به شما یادآوری نمایم تا آن را در مقدمه ذکر کنی. ولی خوشحالم که این کتاب را منتشر کردی، کار باارزشی است، من برای آرزوی موفقیت می‌کنم، اگر موقعی مشکلی داشتی و نسخه‌ای می‌خواستی و نسخه‌ای در اختیار نبود با من تماس بگیر». من بارها آقای دانش پژوه را پیش آقای بابک افشار در کتابفروشی تاریخ و در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌دیدم. هر وقت از این مرد سوالی کردم، با بزرگواری و با سعه صدر به من جواب دادند.

فکر می‌کنید آقای دانش پژوه ریشه این بزرگواریش از چه بود؟

مادر ایران کسانی را داشتیم که اصولاً ذاتاً جانشان علم‌پذیر بوده و از خودخواهی و از خودنمایی بیزار بودند. نمونه‌اش مجتبی مینویی، دانش پژوه، ایرج افشار و حائری. کسانی که به طور جدی در فرهنگ، کار می‌کنند. این‌ها نیاز به خودنمایی ندارند. این‌ها راهی زمینه انتخاب کرده‌اند و فرهنگ کشورشان را شناخته‌اند. ارزش نسخه‌های فارسی کشورشان را می‌دانند. وقتی شما به سراغ آقای مجتبی مینویی می‌رفتید، می‌فهمید که شما اهل کار هستید، گرانتین نسخه را در اختیار شما می‌گذاشت. می‌گفت نسخه را ببر، استفاده کن و برگردان. ولی اگر می‌فهمید کسی اهل کار نیست، نسخه در اختیارش نمی‌گذاشت. همین خصلت در آقای حائری خودمان هست، ولی این‌ها نه تنها نسخه شناس هستند، یک مقدار هم جامعه‌شناسی می‌دانند که بدانند به چه صورت باید کار کرد و به چه صورت با مردم رفتار کرد، چه کسی اهل کار است و چه کسی اهل کار نیست، به این دلیل مثل گنجوری هستند که گنج‌هایشان را می‌خواهند خوب نگه دارند که صدمه نیندند. پس از این هم فکر می‌کنید کسانی باشند که جایگزین آقای دانش پژوه باشند و بتوانند جایشان را پر کنند؟

فرهنگ نمی‌تواند هیچوقت تهی از مردان بزرگ باشد، ولی به هر حال با این امکاناتی که امروز در دنیا به وجود آمده، مثل کامپیوتر، دستگاه‌های مدرن، مسلم به وجود می‌آید. ولی کارهای دانش پژوه، آقای حائری و امثالهم از بین نمی‌رود. با تمام این دستگاه‌ها و تفاسیر که امروز برای ضبط منابع هستند، این‌ها کارهایی است که می‌ماند از بین نخواهد رفت. کتابخانه همیشه به نظر من با تغییراتی که در ارتباط با مسائلی که می‌توانیم از کتاب و از فرهنگ به دست بیاوریم باز کتابخانه به جای خود می‌ماند. و مورد استفاده است و مسلم این دنیا بی‌حجت نمی‌ماند. ممکن است ۵ و دیگر ۱۰ سال دیگر مردی پیدا بشود و در فرهنگ از

دانش پژوه بهتر کار بکند. ولی الان، شاخصه کارمان از نظر درستی دانش پژوه و آقای حائری و تعداد انگشت شماری دیگر است.

آقای گلبن امتیاز فهرست‌های دانش پژوه بر سایر فهرست‌ها چیست؟

دانش پژوه تایید کاری را کامل نمی‌کرد و تایید نسخه را دقیقاً معرفی نمی‌کرد و تا درست زیر و بم این نسخه را در نمی‌آورد، به معرفی آن نمی‌پرداخت. ای بسا یادداشت‌ها و فیش‌هایی داشته که به آنها شک داشته‌اند و آنها را چاپ نکرده‌اند. آنچه که خاطر جمع بوده و می‌دانسته که «مولای درزش نمی‌رود» چاپ کرده و به کیفیت بیشتر توجه می‌کرده. به همین کارش همیشه مورد اعتماد بوده و هست.

ارتباط آقای دانش پژوه با علم کتابداری و اطلاع رسانی جدید چگونه بوده است؟

دانش پژوه برای شناخت نسخه‌های خطی، کشورهای زیادی چون: کشورهای اروپایی، هند، آمریکا، روسیه و... را زیر پا گذاشت. برای شناخت نسخه‌های فارسی و عربی با بهترین کتابداران و نسخه شناسان دنیا ارتباط داشتند. تبادل فکری داشتند. به همین دلیل بود که یک شاخصیتی در فرهنگ ایران داشته و جایی برای خودش باز کرده بودند.

دانش پژوه به دلیل به صداقتی که داشته و زحمتی که می‌کشیده و عشق و علاقه‌ای که به فرهنگ ایران داشته، سعی می‌کرده همیشه کارش را درست انجام بدهد و این دلبستگی شاخصیت کار او را نشان می‌دهد.

توصیه شما به علاقمندان این حوزه چیست؟

به نظر بنده افرادی مثل آقای دانش پژوه، آقای حائری، آقای افشار این‌ها باید حتماً کلاسی می‌گذاشتند و شاگردانی را تربیت می‌کردند، زیرا بشر برای همیشه باقی نمی‌ماند، دیدیم آقای دانش پژوه و بزرگان دیگر هم رفتند، اگر آقای دانش پژوه، آقای حائری و آقای افشار در زمینه‌های کار خودشان شاگردانی را تربیت کرده بودند، خیلی می‌توانستند در پیشرفت فرهنگ موثرتر واقع گردند.

در واقع این نقدی است که شما به دانش پژوه و امثالهم می‌نمایید؟

نقد نمی‌کنم. می‌گویم دلم می‌خواست که واقعاً این طور باشد. ای کاش دانش پژوه کلاسی می‌گذاشت کسانی مثل من و شما هفته‌ای یک یا دو روز از محضر ایشان استفاده می‌بردیم. یا آقای حائری که الان الحمدالله نشسته‌اند و دارند کار می‌کنند. ای کاش به جای این همه زحمت که می‌کشند، هفته‌ای دو روز کلاس بگذارند و افرادی که دلبستگی دارند و واقعاً عاشق کتاب و نسخ خطی هستند، نزدشان شاگردی نمایند.

جامعه فرهنگی کشور با خانم قاطمه قاضی‌ها از طریق کتاب‌ها و مقالاتش در زمینه سفرنامه‌های ناصرالدین شاه، فرمان‌ها و اسناد این دوره از پیش‌آشنایی دارد، ایشان کارشناس ارشد نسخ خطی سازمان اسناد ملی ایران است و به کار تصحیح و شناسایی اسناد این سازمان اشتغال دارد. از آن جا که خانم قاضی‌ها از شاگردان استاد در کلاس‌های دوره نسخ خطی بودند، لذا با ایشان به گفتگو نشستیم.

سرکار خانم قاضی‌ها بفرمایید شروع آشنایی تان با استاد دانش پژوه چگونه بوده است؟



استاد دانش پژوه را در سال ۱۳۶۹ در جمع داوطلبین ورود به دوره کارشناسی ارشد کتابداری نسخ خطی و آثار کمیاب ملاقات کردم. تواضع و خضوع بیش از حد ایشان از همان

لحظات اول نمایانگر دریای دانش ایشان بود، وقتی منابع را به ما معرفی می‌کردند، با عشق و علاقه‌ای در مورد نسخ خطی و آثار به جای مانده از گذشته سخن می‌راندند که این عشق به شنونده مشتاق نیز منتقل می‌گردید.

رفتار استاد بعد از این که این کلاس‌ها ایجاد شد چگونه بوده است؟ بعد از این که این رشته ایجاد و کلاس‌ها تشکیل گردید، استاد دانش پژوه سر کلاس بیشتر از این که به موضوع مورد بحث پردازد، دانشجویان را تشویق به مطالعه و تحقیق می‌کردند. پافشاری روی این مطلب که لحظات را از دست ندهید، جالب توجه است که خود ایشان، با بیش از ۳۵۰ مقاله و ده‌ها کتاب می‌فرمودند: من وقت را هدر دادم، شما هدر ندهید. کلام شیرین و شیوای ایشان، که هرگز فراموش نخواهم کرد، این بود: «بخوانید، بخوانید، بخوانید».

سال‌های آخر عمر ایشان را چگونه دیدید؟

چنین به نظر می‌رسد که خود ایشان نیز تا آخرین لحظات زندگی پربارشان به مطالعه و فراگیری می‌پرداختند در آخرین سال‌ها، به یاد گرفتن زبان اسپانیایی مشغول بودند و برای ما که دانشجوی ایشان بودیم، طریقه یاد گرفتن زبان را این طور بیان می‌کردند که مثلاً در مورد زبان اسپانیایی یک کتاب اسپانیایی با ترجمه فارسی البته مراجعی که برای خودشان اهمیت داشت تهیه به اضافه اصل ترجمه نشده کتاب را مقابل یکدیگر قرار می‌دادند و به این ترتیب نسبت به این زبان آگاهی پیدا می‌کردند. وقتی از ایشان سوال کردیم شما که تمام وقت خود را به مطالعه می‌گذرانید، عکس العمل همسرتان چیست، تعریف می‌کردند که اوایل بسیار

مورد اعتراض قرار می‌گرفتم تا این که کم کم همسرم هم به مطالعه علاقمند شد. یک شب دیدم یک کتاب دست ایشان است کاری داشتم صدایشان کردم، ایشان بدون این که سرشان را از روی کتاب بردارند، گفتند بعداً من در آن لحظه بسیار شاد شدم و با خود گفتم ایشان هم از خودمان شدند.

در کلاس‌ها از کدام شخصیت بیشتر صحبت می‌کردند و چه کسی بیشتر مورد احترام‌شان بودند؟

از شخصیت‌های علمی که از نظر ایشان بسیار قابل احترام بودند، استاد ایرج افشار بودند که پیوسته از زحمات ایشان قدردانی می‌کردند، مثلاً وقتی که در مورد فهرست فهرست‌ها و لزوم آن سخن می‌گفتند، از کتابشناسی فهرست‌های نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های دنیا که نخستین بار توسط استاد افشار در سال ۱۳۳۷ تدوین کرده بود یاد می‌کردند.

علاوه بر فهرست نگاری نسخ خطی، استاد دانش پژوه چه موضوعات مرتبط دیگر را متذکر می‌شدند؟

علاوه بر نسخه‌های خطی، ایشان فرمان‌ها و سندهای به جای مانده از گذشته را از سرچشمه‌های شناخت فرهنگ ایران زمین می‌دانستند. شادروان استاد دانش پژوه بر این نکته تأکید داشتند که دانشمندان ما در هر دسته‌ای که بخواهند تتبع کنند ناگزیر هستند که در آغاز کار خود به نوشته‌های گذشتگان و اندیشه‌های عالمان پیشین و همچنین فهرست‌های که گذشتگان تنظیم نموده‌اند مانند فهرست‌های ابن ندیم و شیخ طوسی و نجاشی و غیره توجه نمایند. می‌توانید دقیقاً بفرمایید چه چیزی از ایشان آموختید؟

مطالب زیادی من از ایشان فراگرفتم. چه طور ممکن است که مثلاً کسی که بسان یک دریای علم است یک ساعت و نیم برای شما صحبت کند و شما چیزی فرا نگیرید، رهنمودهای عالمانه ایشان در وجود انسان می‌نشست و جزء شخصیت انسان می‌شد، و بدانسان فراموش می‌کند که این چیزها را از چه اساتیدی آموخته است و فکر می‌کند از ازل در وجودش بوده است.

در ارتباط با کار خودتان که سندشناسی و تصحیح اسناد و فرمان‌هاست از استاد چه آموختید؟

در ارتباط با کار خودم که تصحیح اسناد دوره قاجار است، زمانی که استاد دانش پژوه استاد من بودند، بنده تازه این کار را شروع کرده بودم، ایشان در مورد تصحیح نسخه‌های خطی سفارش و تأکید مخصوص داشتند. وقتی تصحیح یک کتاب را بر عهده می‌گیرید حتماً باید با نسخه‌های دیگر همان کتاب مقابله شود و اگر امکان داشت با نسخه اصلی به خط مؤلف و یا حداقل نسخه‌ای که در زمان مؤلف تألیف شده است، مقابله نمایم.

به همین جهت زمانی که قصد کردم خاطرات ناصرالدین شاه

در سفر اول فرنگستان منتشر کنم. علی رغم آن که، خود نسخه اصلی به خط مؤلف «ناصرالدین شاه» بود، تصمیم گرفتم با نسخه چاپ سنگی که در زمان خود ناصرالدین شاه به چاپ رسیده مقابله کنم، مقابله این متن را کلمه به کلمه انجام دادم و علاوه بر این که به طور مفصل تفاوت نسخه اصل که در دست من بود را با نسخه چاپ شده در زمان ناصرالدین شاه در مقدمه توضیح دادم، در پانویس هم توضیحات لازم داده شد، و عباراتی که به کلی حذف شده بود (توسط اعتمادالسلطنه) با حروف سیاه نوشتم تا تفاوت از نظر خواننده کاملاً آشکار باشد.

اشاره:

فربیا افکاری به همراه چند تن از همکارانش ادامه دهنده راه استاد محمدتقی دانش پژوه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. با او که آخرین شاگرد استاد در مقطع کارشناسی ارشد نسخ خطی است، به گفتگو می نشینیم. او بیشتر، بیشترین آثار را در قالب مقاله، ویژه نامه و یادبود در مورد آثار و زندگی استاد به نام خود رقم زده است.

سرکار خانم افکاری ممکن است استاد دانش پژوه را در یک جمله کوتاه معرفی نماید؟



استاد محمدتقی دانش پژوه یکی از پرکارترین فهرست نویسان در حوزه نسخ خطی بود که از جنبه های گوناگونی به فهرست نویسی، نسخه شناسی، کتاب شناسی، تصحیح، گردآوری، خرید و شناسایی نسخ خطی در ایران و جهان پرداخت.

فهرست کلی کارنامه عملی استاد دانش پژوه چیست؟
از فعالیت های با ارزش علمی او می توان به فهرس کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و دانشکده های آن چون حقوق، الهیات، ادبیات، کتابخانه مجلس، ملک، کتابخانه های شهرستان ها و مجموعه های شخصی کوچک و بزرگ در گوشه و کنار ایران و نیز به فهرست بزرگترین کتابخانه های جهان در آسیا و اروپا و آمریکا اشاره کرد.

ارتباط استاد دانش پژوه با مراکز کتابخانه ای خارج از ایران چگونه بوده و فعالیت شان چه تاثیری در عملکرد پژوهشگران نسخ خطی دنیا داشته است؟
اگر ما در هر کتابخانه خارجی که دارای مجموعه ای از نسخ خطی است و پابگذاریم، می توانیم ردپایی از حضور و فعالیت های فهرست نویسی استاد دانش پژوه بباییم، به گونه ای که نام وی در جهان با نسخ خطی در حوزه های نسخه شناسی و کتاب شناسی به نوعی عجین شده است و تحقیقات او دستمایه ارزشمندی برای استادان سایر خاورشناسان و ایران شناسان و نسخه شناسان جهان است.

از آنجایی که سرکار علیه افتخار شاگردی ایشان را داشته اید می توانید از رمز و رازهای و خصوصیت های علمی ایشان بفرمایید؟

یکی از مهمترین خصلت های علمی استاد دانش پژوه آن بود که علوم قدیم و جدید را در کنار هم آموخت و تجربه کرد و در مطالعات و نگارش های علمی خود به کار گرفت تا آن جا که علاقه و تسلط ایشان به علوم دینی و اسلامی و موضوعات منطق و فلسفه و... در محضر اساتید بزرگ زمان خود مانع آموختن علوم جدید چون منطق غربی و زبان انگلیسی و فرانسه و آشنایی با ترجمه های کتب غربی نگردید. تاکید ایشان بر آموختن زبان انگلیسی و یا حداقل یک زبان خارجی تا آن جا بود که وی به عنوان بنیانگذار رشته نسخ خطی در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، پیشنهاد آموزش حداقل ۴ واحد درسی از ۵ زبان خارجی فرانسه، انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی و ترکی عثمانی را به تصویب رساند و در برنامه مدون دروس دانشگاهی کارشناسی این رشته عملی ساخت و برای انتخاب بهترین اساتید هر زبان جهت این آموزش فشرده، تلاش های بسیار نمود.

در رشته نسخ خطی به آموزش چه زبانی (که کاربردی مستقیم و بیشتر با نسخه شناسی داشت) تاکید می کردند؟

در این میان زبان عربی جایگاه ویژه ای داشت و حداقل ۲۰ واحد تخصصی را در بر می گرفت. ایشان معتقد بودند دانشجوی و محقق این رشته باید بتواند از منابع محدود این حوزه به زبان های مختلف غربی حداکثر استفاده را بنماید و حداقل آن است که هنگام رویایی با کتاب محقق بتواند از عناوین و اندیکس ها و پیوست ها به حداقل ها نیازمند نباشد.

استاد چه درسی را شخصاً به شما تدریس می فرمودند؟

استاد دانش پژوه خود درس «تقاسیم و تعالیم علوم» را در این دوره بما تدریس می فرمودند.

این کلاس ها کجا و به چه شکلی انجام می پذیرفت؟

قرار ما با استاد، صبح هادر محل تالار رشیدالدین فضل الله همدانی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که محل مطالعه نسخه های خطی و تالار ایران شناسی است. خوب به یاد دارم که سرکار خانم انصاری همیشه به سراغ استاد می رفتند و با ماشین خود ایشان را با احترام فراوان به دانشگاه می آوردند و به تالار راهنمایی می کردند و استاد عصا زنان وارد می شدند و کلاس را بلافاصله تشکیل می دادند. آموزش این درس آن قدر از نظر ایشان جدی بود که علاوه بر بیان تجربیات و مطالعات خود که شفاهی بیان می شد، جزوه ای مکتوب نیز برای این درس تهیه و چاپ کرده و در اختیار ما گذاشته بودند. محدوده و وسعت تدریس شان آیا به همین جزوه و ارائه تجربیات شفاهی محدود می شد؟

خیر منابع بسیاری را برای مطالعه یا تکلیف و تمرین درس معرفی می کردند و هر گاه ما از عدم وجود منابع گله می کردیم و بهانه ای می آوردیم. عصایشان را بلند می کردند و می گفتند: «اگر کتاب در این جا نیست از جای دیگر تهیه کنید و زیراکس بگیرید، همان کاری را که در هند و تمام دنیا می کنند، استادان و دانشجویان وقتی کتابی گران است یا در دسترس نیست زیراکس می کنند چون ارزان تر است و یک نسخه را دست به دست به هم امانت می دهند. تا همه از آن بهره مند شوند.

منظور تان این است که ایشان به کار دست جمعی بیشتر از کار فردی اهمیت می دادند؟

بله مسئله فوق که به ظاهر کوچک و ساده است، ولی گویای این نکته بسیار مهم است که استاد، خود بدان بسیار پای بند بود و آن اعتقاد و عمل به کار عملی مشترک و جمعی است و گواه آن انتشار «نشریه نسخ خطی» دانشگاه تهران و برخی فهرس دیگر است که همواره نام ایشان در کنار نام استاد افشار سالیان سال وجود داشته است و این خود درسی بزرگ برای نسل جدیدی است که می خواهند به تنهایی و برای نام و دل خود کار کنند.

اشاره:

خانم اکرم مسعودی از دیگر شاگردان استاد بودند که با توجه به سوابق و فعالیت های ایشان در این حوزه از جمله انتشار فهرست کتب چاپ سنگی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در مورد استاد دانش پژوه به چند سوال ما پاسخ می گویند.

خانم مسعودی از مرحوم دانش پژوه و چگونگی تشکیل کلاس های دوره کارشناسی ارشد نسخ خطی بفرمایید؟

در سال ۱۳۶۹ بخشنامه ای آمد که کتابداران می توانند در دوره کارشناسی ارشد نسخ خطی شرکت کنند. در آخرین روزهای ثبت نام من متوجه شدم و ثبت نام، کردم و امتحانی در سه مرحله عمومی، تخصصی و مصاحبه برگزار شد. در دو مرحله نخست سی و دو نفر حق شرکت در مصاحبه را داشتند که از این تعداد شانزده نفر به عنوان دانشجو انتخاب شدند. از مصاحبه گران، خانم نوش آفرین انصاری، استاد دانش پژوه به خاطر من می آید. البته بنده از قبل استاد دانش پژوه را می شناختم. قبلاً به کتابخانه دانشکده ادبیات آمده بودند و از نزدیک با بخش نسخ نفیس ما آشنا بودند، و از کتاب های ما استفاده کرده بودند. چه کسی با شما مصاحبه کرد؟



استاد دانش پژوه

خاطره ای از آن مصاحبه هنوز به یادتان مانده است؟

بله یاد می آید استاد دانش پژوه پرسشی از من کرد که آیا شما می خواهید مثل من بشوید؟ من هم گفتم جسارت است استاد، ما هیچ وقت به پای شما نمی رسیم. ولی ایشان با حالت خوبی گفتند نه، اگر کرم کتاب بشوید می توانید مثل من بشوید. منظور ایشان این بود اگر واقعاً کسی بخواهد کتاب شناس بشود باید با کتاب مأنوس بشود و مرتباً با کتاب باشد، بخصوص کتاب هایی که جنبه تاریخی دارد حالا چه تاریخ ادبیات باشد و یا تاریخ علوم. البته ما هیچ وقت به پای استاد نرسیده و نمی رسیم چونکه اداری هستیم، اما ایشان محقق بودند، استاد وقتشان مرتباً در اختیار خودشان بود. و از آنجایی که سرشناس بودند، به راحتی در تمام کتابخانه ها رفت و آمد می کردند و می توانستند به راحتی همه منابع را در اختیار داشته باشند.

دانشجویان شرکت کننده دوره کارشناسی ارشد خطی چه کسانی بودند آیا فراخوان عام دادند یا مختص به سازمان های بخصوصی بود؟

شرکت کنندگان این دوره، کتابداران دانشگاه تهران به علاوه کتابداران و آرشیویست های سازمان اسناد ملی بودند و در دقایق آخر نیز دو تن از کارشناسان کتابخانه ملی را به این کلاس ها معرفی کردند.

تشکیل این کلاس ها را چه سازمانی به عهده گرفتند؟

تشکیل این کلاس ها توسط دو واحد از دانشگاه تهران شامل: گروه کتابداری و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران صورت گرفت و افرادی را تربیت کردند.

فکر می کنید بانی اصلی تشکیل این کلاس ها چه کسی یا کسانی بوده اند؟

بانی اصلی این دوره آقای دانش پژوه بودند ایشان از خانم نوش آفرین انصاری می خواهند که چنین دوره ای در دانشگاه تهران دایر کند، چون که خودشان می بینند که رو به ناتوانی هستند و ضعف جسمانی به سراغ شان آمد، پیشنهاد اولیه را به خانم انصاری می کنند. خانم انصاری هم دنبال این پیشنهاد را می گیرند تا این که این دوره به طور رسمی در دانشگاه تهران برگزار می شود.

شما چند واحد دانشگاهی را با ایشان گذارندید؟

استاد سه واحد را که فکر می کنم درس "شناخت تاریخ علم" بود به ما درس می داد. اما به دلیل ضعف جسمانی شان چند جلسه ای بیشتر نتوانستند در تدریس شرکت کنند. اما تا پایان واحد جزوه و کتاب هایی را به ما معرفی کرده اند که ما مطالعه کردیم.

استاد در شناسایی خطوط و مشکلات نسخ خوانی فرصت کردند که به شما دانشجویان کمک کنند؟

استاد دانش پژوه متأسفانه زمانی به سراغ ما آمدند که ضعف جسمی به سراغشان آمده بود و بیمار شده بود اما در این زمینه و

فهرست نویسی نسخ خطی از اساتید دیگری چون استاد حائری بهره بردیم.

درس کارورزی نسخ خطی را با چه کسی گذراندید؟

درس کارورزی را با استاد علی نقی منزوی گذراندیم و ایشان هم به ما خیلی کمک کردند.

پرسشی که به ذهن بنده و خوانندگان می رسد اینست که چه ارتباطی میان نسخه های خطی و کتاب شناسی با تاریخ علم است که جناب استاد دانش پژوه معلم آن بودند؟

ما تاریخ علم را در واقع از لایه لای نسخ خطی بیرون می کشیم و می شناسانیم. با وجود این که اروپاییان روی تاریخ علم کار کردند و آن را تدوین نمودند، اما اساتید نسخه شناسی و کتاب شناسی از جمله جناب آقای استاد حائری نیز معتقدند که با توجه به نسخه هایی که جدیداً شناسایی شده ما باید تاریخ علم را بازنگری کنیم و دوباره بنویسیم.

از روش تدریس استاد در کلاس بفرمایند؟

ایشان ظاهراً بسیار جدی بودند، اما در باطن بسیار مهربان و رثوف بودند. وقتی که شما با ایشان کار می کردید و یا سوالی از ایشان می پرسیدید، می دیدید که در پشت این ظاهر جدی انسان مهربانی قرار دارد. خانم مسعودی بر می گردیم به بیست سال پیش: آن وقت شما جوان تازه تحصیل کرده کتابداری و در کتابخانه دانشکده مرکزی به پژوهش مشغول بودید. با تجربه فعلی که دارید چه می کردید.

با تجربه فعلی که دارم کارم را که در این جا دارم حتماً رها می کردم و می رفتم به کتابخانه مرکزی مشغول می شدم، زیرا دنیای نسخه خطی دنیای کاملاً جدا از کتابداری نوین است. در این حوزه که وارد می شویم، می بینیم که مدام چیزی یاد می گیریم، مطالب جدیدی که در هیچ کتابی مکتوب نشده است. نسخه های خطی هر کدام مطالب تازه ای دارند که ما باید به کمک تجربه آن را کشف بکنیم، چون که در منابع خطی دیده می شود که کتاب صفحه عنوان ندارد، نویسنده کتاب شناخته نشده، و یا منبع مجموعه است که شما مجبورید، برگ برگ این نسخه را نگاه بکنید تا اطلاعات جدید را از آن استخراج کنید.

چه ویژگی در فهرست نویسی استاد دانش پژوه هست که ایشان را جزو مطرح ترین و مورد احترام ترین نسخه شناسان و کتاب شناسان ایران می سازد.

البته من این سوال را این طوری اصلاح می کنم که تمام

اساتیدی که روی نسخ خطی کار کردند، مورد احترام و شناخته شده هستند، شاید دلیل این که استاد دانش پژوه به لحاظ جهانی شناخته تر و مطرح تر است این است که ارتباطشان در خارج از مرزهای ایران بیشتر بوده و بیشتر از سایرین مسافرت داشته اند. ایشان از بیشتر کتابخانه های دنیا که دارای نسخ خطی بوده اند دیدار کردند و حتی کتب آنها را نیز فهرست برداری می نمودند. خوب در آن کتابخانه ها هم اساتیدی مثل خودشان قرار داشته و این عامل ارتباط بین ایشان بانسخه شناسان و کتاب شناسان سراسر دنیا گشته است.

فهرست های استاد را از نظر کیفی چه طوری می بینید؟ آیا نیازی به تجدیدنظر در فهرست هایشان می بینید؟

اجازه بدهید به این سوال پاسخ ندهم، شناسایی نسخ خطی خیلی مهم است، همین کاری را که استاد دانش پژوه انجام دادند بسیار کار ارزنده ای بوده است. کم ترین سودش اینست که ما الان می دانیم چه نسخه هایی در کتابخانه مرکزی وجود دارد. ولی این که این فهرست ها نیاز به بازبینی مجدد است تا اطلاعات دیگری از آن روشن گردند تنها فهرست های استاد بلکه اکثر فهرست هایی که در جهان منتشر شده (در مورد ایران که می توان گفت صد درصد) نیاز به بازبینی مجدد دارند، زیرا امروزه اطلاعات جدیدتر و بهتری در مورد نسخ منتشر شده که ممکن است آن نسخه آن زمان داشته اما ما نتوانسته ایم ببینیم و یا اساتید آن زمان متوجه آن نکات نشده باشند ولی امروز با یک بازبینی و فهرست مجدد بر اساس یافته های امروز به تکمیل اطلاعات آن همت بگماریم.

شما به عنوان یک کتاب شناس و نسخه شناس و کسی که با هر دو روی سکه کتابداری نوین و سنتی آشنا هستید بفرمایید کتابداری نوین چه کمکی به نسخه شناسی و فهرست نگاری نسخ خطی می تواند بنماید؟

پایگاه های اطلاعاتی که در این زمینه در خارج از ایران ایجاد کردند و پایگاه هایی که در ایران در دست تدوین است، برای بازیابی اطلاعات برای محقق بسیار خوب است و آنان را در یافتن دقیق اطلاعات در زمان کم کمک می کند. بی تردید به کارگیری تکنولوژی در امور نسخ خطی نیز لازم است. کتابداری نوین می تواند در کنترل کردن موضوعات نسخ خطی و یک دست کردن نام نویسندگان به نسخ خطی کمک کند. ضعفی که اکثر فهرست های نسخه خطی دارند، موضوعات است که در اعلام این فهرست ها موضوع دیده نشده است.

